

دوره دهم تقنینیه

جلسه ۵۴

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بالضمان متن قوانین

یکشنبه ششم اردیبهشت ۱۳۱۵

مطبوعه مشترک } سالیانه
داخه : ۷۰ ریال
خارجه : ۱۰۰ ریال
تک شماره : دو ریال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ششم اردیبهشت ۱۳۱۵ *

فهرست مطالب

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) اخذ رای برای انتخاب دو نفر ناظر بانک ملی
- (۳) شور ثانی و تصویب مجازات مأمورین مؤسسات خیریه
- (۴) اعلام نتیجه آراء مأخوذه راجع بانتخاب دو نفر ناظر
- (۵) بقیه شور لایحه مجازات عمومی از ماده ۲۱
- (۶) اعلام نتیجه آراء مأخوذه نسبت بیکنفر ناظر دیگر بانک ملی
- (۷) موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس سه شنبه سیام فروردین را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند **

(اقتراح بعمل آمده آقایان ذیل انتخاب شدند)

[۱ - تصویب صورت مجلس]

فتوحی - خواجه نوری - مسعودی خراسانی - جلالی

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفتند - خبر)

طباطبائی دیبا

صورت مجلس تصویب شد.

(اوراق رأی توزیع و اخذ گردید)

[۲ - انتخاب دو نفر ناظر بانک ملی]

رئیس - آقایان طباطبائی دیبا - خواجه نوری -

۱۳۱۰ دو نفر ناظر برای بانک

مسعودی خراسانی - فتوحی - جلالی قبول زحمت نمایند و

چون موقع آن رسیده است اگر

آقای پالیزی هم از طرف هیئت رئیسه آراء را در خارج

شود بانتخاب آن دو نفر ناظر

استخراج نمایند.

مبارت انتخاب میشوند.

ت مشروح پنججاه و چهارمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

این جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

بان ، حاج محمد رضا بهمانی - حاج ملک - مختار مشیری - منصف - مزدهی - صادقی - جهانشاهی - طالبخان

- مؤید ثانی

بان ، نازی - شیرازی - فروزینی - تهرانی - وکیلی - اعظم زنگنه - هدایت - جهه تالی

بان ، آقایان ، دکتر ادهم - بیات - انجمنی - ناصری

[۳ - شور ثانی و تصویب مجازات مأمورین مؤسسات خیریه]

رئیس - راپرت کمیسیون قوانین عدلیه راجع بمأمورین مؤسسات خیریه برای شور دوم مطرح است .

لایحه نمره ۳۷۲۰۰ دولت برای شور دوم در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم با حضور آقای وزیر عدلیه مورد شور و مذاقه واقع گردیده بالاخره راپرت شور اول با اصلاحاتی تصویب و علیهذا خبر آن را برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد . ماده اول - مأمورین بخدمات عمومی از حیث جرائم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث صلاحیت دیوان جزای عمال دولت در حکم مأمورین دولتی خواهند بود .

ماده دوم - محاکمه اداری مأمورین بخدمات عمومی مطابق نظامنامه ای خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء میرسد .

ماده سوم - مأمورین بخدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات ذیل خدمت میکنند .

۱ - مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب وقف یا وصیت تولید آنها با پادشاه عصر است .

۲ - مؤسسات خیریه و مؤسسات عام المنفعه که دولت یا شهر داری اداره میکند و یا تحت نظر دولت اداره میشود .

۳ - مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود .

رئیس - ماده اول مطرح است .

ماده ۱ - مأمورین بخدمات عمومی از حیث جرائم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث صلاحیت دیوان جزای عمال دولت در حکم مأمورین دولتی خواهند بود .

رئیس - موافقین با ماده اول قیام فرمایند (اکثر)

انجام دهند و ناچار برای آن مستخدمین يك نظاماتی در طرز استخدام و اجرای وظایف آنها در آن اساسنامه که در آن مؤسسه است نوشته اند و اگر هم ننوشته اند باید بنویسند و تکمیل کنند و دولت هم در نظامنامه خودش همان را معین میکند و برای تخلفات از آن ها يك مجازات های اداری معین میکند و مجازات های اداری آنها مساوی نیست با طرز مجازات های مأمورین دولتی چون مأمورین دولتی با رتبه هستند بعضی از مجازات های اداری مثلا تنزیل درجه است و از این قبیل چیزها که در آنجا فرض ندارد البته مناسب خودش وضع خواهد کرد نظامنامه که دولت مینویسد مناسب وضعیات آن مؤسسه خواهد بود ولی طرز اجرای وظایف آنها را همیشه باید خود آن مؤسسه معین کند برای اینکه آنها خودشان بصیر تر باوضاعشان هستند .

رئیس - موافقین با ماده دوم قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده سوم قرائت می شود .

ماده ۳ - مأمورین بخدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات ذیل خدمت میکنند .

۱ - مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب وقف یا وصیت تولید آنها با پادشاه عصر است .

۲ - مؤسسات عام المنفعه که دولت یا شهر داری اداره میکند و یا تحت نظر دولت اداره میشود .

۳ - مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود .

رئیس - ماده اول مطرح است .

ماده ۱ - مأمورین بخدمات عمومی از حیث جرائم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث صلاحیت دیوان جزای عمال دولت در حکم مأمورین دولتی خواهند بود .

در حکم قانون است آقای وزیر عدلیه يك توضیحات مفصلي راجع به این مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود بفرمایند . البته تصدیق می فرمایید که يك شرکتهائی هست که در بعضی از آنها دولت اکثریت سرمایه را دارد و در بعضی دیگر نصف سرمایه را دارد و حاکم بر امور هر شرکتی هم مجمع عمومی شرکت است و قتیکه دولت اکثریت سهام يك شرکت را داشته باشد بهمان اندازه میتواند مؤثر در امور آن شرکت واقع شود در تمام عملیات و پیشرفت هر قسمتی بنابراین بعقیده بنده خیلی لازم است که در این قسمت آقای وزیر عدلیه يك توضیحاتی بفرمایند که تکلیف قطعی کلیه شرکت هائی که در این قسمت واقع شده اند یا خواهند شد معلوم باشد مخصوصاً قسمت تحت نظر دولت منظور از تحت نظر دولت چه خواهد بود بچه وسیله و بچه ترتیب عمل خواهد شد و ضمیتش چه جور خواهد بود این را توضیح بفرمایند که تکلیف معلوم باشد .

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم این جمله تولید قدری توهم در خاطر آقایان کرده است بطوریکه آقای کاشف هم

که بر ایشان بطور خصوصی توضیح دادم قانع نشدند یا شاید مایل بودند که بنده علناً توضیح عرض کنم و آن این است که اولاً زائد است که بنده بخوام شرح بدهم همانطور که اصول و روابط ممالک دنیا تغییر کرده است و همه چیزش اجتماعی شده است ابران هم باید پیروی کنند و الحمد لله هم در تحت توجهات اعلیحضرت همایونی کلیه کارکنان مملکت و ملت مخصوصاً آقایان تجار که خیلی کمک باین تأسیسات کرده اند و میکنند و با يك شوق و ذوقی هم مشغول هستند و بر خورده اند که کار های فردی دیگر بی نتیجه است و باید اجتماعی شود ولی بمحض اینکه حیثیت اجتماعی را پیدا کرد باید متذکر باشند که دست دولت و قانون و مجازات و همه چیز همراهنش است تفکیک بردار نیست و الا همان وضع شرکت های سابق است شرکتهای عمومی و آن شرکتهائی که دلبند و شنبندید

که در مؤسسات ذیل خدمت میکنند .

۱ - مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب وقف یا وصیت تولید آنها با پادشاه عصر است .

۲ - مؤسسات عام المنفعه که دولت یا شهر داری اداره میکند و یا تحت نظر دولت اداره میشود .

۳ - مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود .

که اساسی نداشت و چه وضعیاتی پیش آمد کرد و بر باد رفت اولاً اساس میخواید و بعد از آن تثبیت پس از آن مراقبت و مواظبت آنهم از طرف دولت دیگر اینکه چرا آقایانی که در این مؤسسات و شرکتهای ذی سهم هستند و در واقع جزء مؤسسان هستند آنها این کار را متوقع نیستند در صورتی که این کار کار آنها است و دولت برای آنها این کار را دارد میکند برای مستخدمین جزء است مستخدمینی است که بنظر خود میکینند و هفت ساعت هشت ساعت ده ساعت هر چه بنای آن شرکت است در آنجا خدمت میکنند البته آنها باید بیک بیم و امیدی داشته باشند بیم آنها مجازات است و امیدشان هم البته آن مساعدت و ترقیاتی است که آن مؤسسه یا شرکت از روی استحقاق بآنها میدهد در هر کجا چه دولت و چه مؤسسات محتاج هستند به عضو های خوب و درستکار خوبی و درستکاری هم جز در تحت این دو اصل بیم و امید نحو دیگر پیدا نمیشود والا اگر همانطور باشد که بود مثل اینکه بودند و بودیم و بود نتیجه اش همانطور میشود که بود ولی این جمله که مخصوصاً توضیح خواستند ایشان مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود اداره شدن بیک مؤسسه مربوط باین نیست که دولت سهم کم یا زیاد داشته باشد یا اصلاً نداشته باشد پاره از مؤسسات است که دارای بیک جنبه خاصی است که دولت میخواهد آنجا تحت نظر او اداره بشود فرض بفرمائید مثلاً بانک ملی در واقع همه چیزش مال دولت است در معنی ولی مال دولت هم نیست برای اینکه بولهای که در بانک است همه مال مردم است ولیکن فرض کنید بیک شرکتی تأسیس میشد و این بانک را تأسیس میکرد و تأسیس میکنند آیا دولت همینطور نگاه میکرد که این شرکت هر طور میخواهد بشود بشود هم انطور که مجلس قانون وضع کرد برای نظارت در قانون اسکناس همانطور که دولت مواظب است و اشخاص از همین مجلس و از خود دولت مراقبت دارند حق اگر جابجا بخواهند بکنند بیک کیسه پول را باید تحت چشم آنها و با امضای

آنها باشد پس اینچنین مؤسسات تحت نظر دولت اداره میشود از نقطه نظر جهات و مصالح عمومی که در بر دارد و باید دولت نظارت داشته باشد غرض هر مؤسسه است که در تحت نظر دولت اداره میشود و باز پرسش با دولت است اعم از اینکه دولت سهم داشته باشد یا نداشته باشد کم باشد یا زیاد باشد مقصود این است

رئیس - آقای دکتر طاهری -
دکتر طاهری - در اینکه اشخاصیکه در مؤسسات و شرکتهای دخالت دارند و استخدام دارند باید صحت عمل داشته باشند و انجام وظیفه بکنند در این شکی نیست و اگر تخلف هم بکنند باید مجازات شوند این هم تردید ندارد لیکن موضوعی که موجب نگرانی و پرسش است این است که چرا اینها باید در محکمه خاصی محاکمه شوند محاکم عمومی هست و همه مردم در آنجا محاکمه میشوند مگر این محاکم قصوری میکنند یا بکار نمیرسند که باید این اشخاصی که در مؤسسات استخدام دارند آنها در دیوان جزای عمال دولت محاکمه شوند و این غیر از اینکه اشکال برای خود دولت و ایجاد زحمت برای مؤسسات و مردم نماید هیچ نتیجه دیگری ندارد مقصود از عرض آقایان و بنده این است نه اینکه از اینها هیچ پرسش نشود اگر اینطور باشد که هیچ مؤسسه و شرکتهای باقی نمی ماند مقصود این است که چه

جزء عمال دولت محسوب بدانند عدلیه موافقت بفرمائید بیک مؤسسات انتفاعی که شاید لفظ دادند شرکتهای و اینها را شرکتی که سبکته به تشکیل شرکتهای و بیک طرز عمومی قائل شود در محاکم عمومی محاکمه شود نگرانی نباشد

وزیر عدلیه - اینجا دکتر طاهری تذکر میدهم اولاً این جزای عمال دولت را نمیدانم

از سبب روی شوق طلب منجا کنه میکنند و رای میدهند اینطور نیست بیک محکمه است از محاکم عدلیه و با کمال دقت هم رسیدگی میکنند و احکامش هم خیلی صحیح است نهایت طرز رسیدگی بیک طرز خاصی است که بقدری تسریع هر کار است و زودتر انجام میشود نکته دیگر اینکه دیوان جزای عمال دولت اساساً برای مصلحت وقت و برای پیشرفت هر کار ترتیب داده شده است و ثابت و دائم هم باقی نخواهد ماند و بالاخره آنهم یکی از محاکم عمومی است و آن فلسفه که جناب عالی میفرمائید در خود مستخدم دولت هم هست چه فرقی میکنند که اگر بیک عضوی هم خلاف میکنند در محاکم عمومی مگر قصوری میکنند؟ خیر ولی این نظر بمصلحتی بوده است که این مؤسسه تأسیس شده است حالا هم اعم از اینکه آن مصلحت باقی باشد یا نباشد این قانون جزائی که تازه بمجلس پیشنهاد شده است و اوائلش است و مشغول هستیم تمام این زمینه ها را تسویه میکنند و محاکم را یکی میکنند و مستخدم و غیر مستخدم را در محاکم مساوی میکنند نهایت مستخدمین از حیث جرائم که مربوط بشغلشان باشد البته بقدری طرز خاصی دارد فقط چیزی که باقی میماند آنچه است که قانون اساسی رعایت و پیش بینی کرده است راجع بمحاکمه وزراء و آن بجای خودش باقی خواهد ماند و الا این اصلاح خواهد کرد تشکیلاتش

۳ توضیحات بیشتری را قائلم باینست چون ابهام در قانون در زحمت دولت و مردم می شود است دیگر که تحت نظر دولت هم مؤسساتی است که با بیک قسمت سرمایه دولت یا تحت نظر دولت بآقایان کاملاً تصدیق بفرمائید که در خلاف خدمت دولت

است دولت و وزارتخانه ها بیک جور کار میکنند اساساً در تجارتهای نیست مثلاً در کار های ادارتی پرسعت خیلی مطلوب نیست ولی در قسمت امور اینطور نیست در امورات تجارتهای کار هائی است که تعطیل بردار نیست و باید در آن کار فوری اقدام مثلاً من باب مثال عرض میکنم در ادارات دولتی میخواهند بیک چیزی را بخرند یا بیک چیزی را بفروشند این را مناقصه یا مزایده میکنند این را بیک هیئت چهار نفر معین میکنند و بالاخره هر کس هم در آن موقع پیشنهاد میکند اگر مناقصه است روی اقلیت و اگر مزایده است روی اکثریت است خوب بیک شرکتهائی تشکیل شده است که اصلاً صد مال دولت است ولی بشکل تجارتهای اداره میشود و علت اینکه دولت اینها را از شکل ادارتی بر داشته است و بشکل تجارتهای گذاشته است همین نکته است که بنده عرض میکنم فرضاً شرکت بقدری بفرموده از خارج وارد کرده باید بفروریت در ولایات بفرستند که موقع کشت آن نکند اگر حمل آن و کرایه حمل آن را بخواید بمناقصه بگذارید چهار روز طول می کشد و بیک هفته پیش از موقع آن باقی نمی ماند اگر مناقصه ادارات دولتی بکنند و آن را بمناقصه بگذارند موقع میگذرد و قایده ندارد حالا ممکن است در نظر مدعی الطوم و یا قضات وقت جرم تشخیص داده شود یا اینکه بیک مالی که وارد شده است این ها مالی است که حاصل میشود هواپارانی است هزار تومان سیمان وارد شد و اینها هم انباری چیزی نیست اگر زود تر نیاروند مجازات اینها اگر بخواهند برای کرایه حمل مناقصه بگذارند آن وقت بکلی فاسد میشود و بهیچوجه مقدری ندارد بیک چیز هائی است که اگر بنا باشد شامل این امر بشود عملی نیست و میتوانند بگویند در خلاف است رفتار کردی و خیانت کردی و باید در محاکمات دیوان جزای عمال دولت محاکمه شوی این عملی نیست و اگر

رفع اشکال بشود و علت اینکه عرض کردم که دولت بعضی مؤسسات را طرز تجارت داده است برای این است که در امور تجاری بعضی فرمالیته‌ها نیست اگر رعایت مقررات اداری را نکردن جرم محسوب نمیشود که توضیح بفرمایند و اگر هم جرم است که باید آن ادارات از بین برود در هر حال این را توضیح بدهند يك بام و دو هوا که نمی شود .

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم بیانات بنده قاصر بود از افاده مقصود و یا اینکه آقایانیکه باید بیشتر گوش بدهند و بیشتر آنترسه هستند در این موضوع توجه فرمودند شاید هم بیانات بنده قاصر بوده است عرض میکنم در اینجا هیچ مسئله جرم و جرائم نیست که چه چیزی جرم عمومی است و چه چیزی جرم اداری است این صحبت در این لایحه بهیچوجه نیست آن در قوانین دیگری است يك قوانینی داریم قوانین جزای عمومی که میگوید سرقت جرم است ؛ اختلاس جرم است ؛ ارتشاء مأمورین دولت جرم است ؛ خیانت در امانت جرم است ؛ کلاه برداری جرم است ؛ جرائم مالی را بنده دارم میشمارم در آنجا میشمارد جرائم را با حدود خودش يك تقصیرات اداری هم داریم که آنها خاص مأمورین دولت است که اگر قصور در انجام وظیفه بکنند یا آنکه تأخیر در انجام وظیفه بکنند یا آنکه آنطوریکه مطلوب بوده کاریا انجام ندهند دیر یا زود کنند مثلا اگر کار را جمع بخرید و فروش اشتا بدون مناقصه و مزایده بفروشند و بخرند و یا ترتیبات دیگر که بنده حالا اینجا در این قسمتها وارد نمیشوم که چه چیز تقصیر هست یا تقصیر نیست تقصیرات در جای خودش معین است مطلب دیگر اینکه در واقع لایحه نظر بدو قسمت دارد یکی جرائم عمومی است که از مأمورین بخدمات عمومی سر میزند مثل خیانتا در امانت ؛ اختلاس که از مال مؤسسه بر دازه و مقصود آن آن سرقت بمعنی خاص نیست یا اینکه رشوه بگریه که آن کاری که برعهده اش هست بکند یا خود داری کند و ترك کند یا تأخیر ببالدازد که ضرر و

شکستی در کار مؤسسه واقع شود یکی هم در قسمت تقصیرات اداری است که آن کلابنظر خود مؤسسه واقع می شود که فلان چیز را تقصیر بداند چون مؤسسه هم مثل ادارات دولتی است همانطور که اداره دولتی يك نظامات مخصوصی دارد که تخلف از آنرا تقصیر میشمارد همینطور هم مؤسسه و شرکت يك نظاماتی دارد مقرراتی دارد که عدم رعایت آنرا تقصیر میشمارد نهایت این است که این تقصیر باید بصورت نظامنامه و مقرراتی در آمده باشد که چه چیز تقصیر است يك هیئتی از خود همان مؤسسه (دولت هم نمیخواهد دخالت بکند نمیخواهد وارد شود در کار های مؤسسات اقتصادی و نه اینکه خیال دارد) تحت نظر همان مؤسسه یا رئیس یا هیئت مدیره آن مؤسسه هر چه هست محاکمه اداری میشود و مجازات میشود در وی آن شرایط و نظامات خود مؤسسه مقصود این است ولی جرائم عمومی که عضو فلان مؤسسه اگر اختلاس کرد چه فرق میکند آن عضو یا مستخدم مختلس مثل سایر مستخدمین باید مجازات شود . (صحیح است - مذاکرات کافی است)

رئیس - آقای مؤید احمدی
مؤید احمدی - موافقم و عرضی ندارم
رئیس - آقای احتشام زاده
احتشامزاده - بنده يك مطلبی را متوجه شدم و لازم دانستم خاطر آقای وزیر عدلیه را در این اشکالی که بنظر میرسد صحیح باشد از توسعه فقرات مذکور در ماده مقررات مربوطه بدیوان جزای ادارات دولتی تصرفات غیر قانونی است بکنند مثلا اگر مأموريك مؤسسه جمع آنها است مثلا يك رئیس صندوق خرید لوازم التحریر باید صرف بکنند حدودی که در قانون مقررات داده است میتواند اگر زائد بر آن غیر قانونی و ارتشاء تشخیص داده

انتقاعی به شرحی که آقای فرشی هم توضیح دادند وضعیت کار يك طوری است که اگر بخواهند بانتظار صدور اجازه ها و بودجه هائی بشوند موقع کارشان میکذرد مثلا يك بذری تهیه شده است و بایستی این بذر را در موقع خودش فوراً بمحل زراعت برسانند که زود تر کاشته شود و در بودجه مؤسسه هم اعتباری برای این کار نبوده است تاچار است آن متصدی از اعتبار دیگری که امروز مورد خرج ندارد بر دارد و خرج کند و بذر را حمل کند که بموقع برسد بمحل و اگر دیر تر از موقع برسد يك ضرر کلی بآن مؤسسه وارد خواهد شد حالا اگر این مؤسسه و مأمورین آن جزو مأمورین دولتی یعنی از حیث صلاحیت دیوان جزا و جرائم و مجازات مثل آنها واقع میشوند و مسئولند نتیجه اش این میشود که این عضو مؤسسه تجاری یا انتقاعی میتواند در آن موقع از آن اعتباری که امانت است بر دارد و بمصرف کار مهم دیگری برساند اگر هم این کار را نکند که اصلا نقض غرض میشود چون مؤسسه انتقاعی است و برای این است که پول زیاد پیدا کند حنفت بکنند این را خواستم متذکرشان کنم که ممکن است این اشکالات پیش بیاید .

وزیر عدلیه - این اشکال آقا پیش نخواهد آمد برای اینکه در ماده اول ذکر شده است که از چه جهت است ...
رئیس - آقای مؤید احمدی
مؤید احمدی - موافقم و عرضی ندارم
رئیس - آقای احتشام زاده
احتشامزاده - بنده يك مطلبی را متوجه شدم و لازم دانستم خاطر آقای وزیر عدلیه را در این اشکالی که بنظر میرسد صحیح باشد از توسعه فقرات مذکور در ماده مقررات مربوطه بدیوان جزای ادارات دولتی تصرفات غیر قانونی است بکنند مثلا اگر مأموريك مؤسسه جمع آنها است مثلا يك رئیس صندوق خرید لوازم التحریر باید صرف بکنند حدودی که در قانون مقررات داده است میتواند اگر زائد بر آن غیر قانونی و ارتشاء تشخیص داده

(عده از نمایندگان - مخالفی نیست) رأی گرفته میشود بمجموع مواد لایحه آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .

۴ - اعلام نتیجه اخذ آراء راجع بانتخاب دو نفر ناظر

رئیس - نتیجه استخراج آراء بعرض آقایان میرسد : نتیجه استخراج آراء متخذة در جلسه ششم اردیبهشت ۱۳۱۵ راجع بانتخابات دو نفر عضو ناظر ذخیره بانک ملی بقراری است که ذیلا بعرض میرسد .

عده حاضر	۱۰۶	عده آراء	۱۰۶
آقای فرشی	-	۶۸	رأی
مؤید احمدی	-	۴۳	»
محیط	-	۹	»
دکتر ادهم	-	۵	»
اقبال	-	۴	»
صفاری	-	۳	»
مژدهی	-	۳	»

هشت نفر از آقایان هر کدام دو رأی و شانزده نفر از آقایان يك رأی دارند .

ورقه سفید ۱۷
رئیس - آقای دکتر ادهم .

دکتر ادهم - بنده خواستم عرض تشکر کنم از آقایانی که نسبت به بنده اظهار لطف فرموده اند و خواستم عرض کنم چون کاندیدا نبودم استدعا میکنم بنده را مرقوم نفرمایند .

رئیس - آقای زوار

زوار - موقعیکه بنده رفتم بیرون و آقایان مشغول استخراج آراء بودند شنیدم که سه رأی باسم بنده ... (مؤید احمدی - دور رأی) آقایان مرحمت کرده اند (خنده نمایندگانی) هر کدام از آقایان که اسم بنده را مرقوم فرموده اند تشکر میکنم (خنده نمایندگانی) ولی چون

پنده کاندیدا بیستم از اظهار لطفشان تشکر میکنم ولی مرا نبویسند چون کاندیدا بیستم (خنده نمایندگان)

رئیس - آقای فرشی با اکثریت ۶۸ رأی انتخاب شدند و برای يك نفر دیگر تجدید انتخاب میشود و امیدوارم این دفعه دیگر اینقدر ثنمت آراء نباشد.

(اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس - آقایان : طباطبائی دبا - خواجه نوری - فتوحی - مسعودی خراسانی - جلالی و آقای پالیزی استخراج آراء خواهند نمود.

[۵ - بقیه شور اول لایحه مجازات عمومی از ماده ۲۱]

رئیس - شور اول قانون مجازات عمومی تا ماده ۲۰ قرائت شده است. از ماده ۲۱ شروع میشود :

اعتبار احکام جزائی خارجه

ماده ۲۱ - بحکم جزائی کشور بیگانه که در موضوع جرم صادر شده باشد از جهات ذیل میتوان اعتبار داد :

۱ - از لحاظ تکرار جرم یا سایر آثار محکومیت یا برای اینکه مجرم مجرم به عادت یا به حرفه یا بطبیعت اعلام شود.

۲ - در مورد بیکه محکومیت بر حسب قانون ایران مستازم مجازات تبعی باشد.

۳ - وقتیکه بر حسب قانون ایران شخص محکوم یا غیره شده که در کشور ایران است میبایست تحت مقررات تأمینی شخصی واقع شود.

۴ - وقتیکه حکم متضمن محکومیت بتأدیه رد عین یا جبران خسارت باشد یا آنکه بنحوی در کشور ایران بمنظور رد عین یا جبران خسارت یا مقاصد دیگر حقوقی مورد استناد واقع شود.

برای اینکه حکم قابل اعتبار باشد باید از مقام قضائی یکی از کشور های خارجه که با ایران معاهده استر داد معاهده دارند صادر شده باشد و اگر این معاهده در بین نباشد باز هم میتوان در صورت تقاضای وزیر عدلیه بنگان حکم اعتبار داد لیکن در صورتیکه بیکى از اغراض مذکور در

شق ۴ اعتبار دادن بحکم خارچ در خواست شده باشد تقاضای وزیر عدلیه لازم نیست.

رئیس - آقای دکتر جوان.

دکتر جوان - در ماده ۲۱ بنده اول بعضی اصلاحات عبارتی را لازم میدانم و اصولا بدیهی است که این ماده مقصودش این نیست که احکام جزائی که از خارجه صادر میشود بطور کلی دارای اثراتی در محاکم ایران باشد ولی در بعضی موارد که مفید است برای قضات که آنها را در نظر میگیرند آنها را ذکر کرده است از آن جمله در مواقع تکرار جرم مثلاً اگر بیکى در خارچ محکومیتی داشته باشد و بعد بیاید و در ایران مرتکب جرمی بشود البته باید این جا مورد تکرار جرم را قاضی و محکمه در نظر بگیرد ولی این مطلب را در شق اول ماده بیست و یکم این طور می نویسد : « از لحاظ تکرار جرم یا سایر آثار محکومیت یا برای اینکه مجرم مجرم بمادت یا بحرفه یا بطبیعت اعلام شود » این دو قسمت که قسمت تکرار جرم یا اینکه مجرمیت بمادت یا بحرفه یا بطبیعت اعلام شود اینها صحیح است ولی در قسمتی که مینویسد از حیث سایر آثار محکومیت چون آثار محکومیت بکیش هم قابل اجرا بودن يك حکمی است ممکن است يك حکمی از خارجه صادر بشود و آن وقت يك محکمه بعنوان اینکه در قانون نوشته شده است میشود باین حکم آثار محکومیت

بشود که این حکم جزائی صادره قابل اجراست در صورتیکه اینطور جرم یا عادت یا طبیعت و حرفه یا بطبیعت اعلام شود و قسمت آثار محکومیت که اعلام شده بنده محتاج باصلاح است و اگر بهتر است در قسمت چهارم هم بنده لازم میدانم آنجا که مینویسد « وقتیکه بتأدیه رد عین یا جبران خسارت در کشور ایران بمنظور رد عین یا

دیگر حقوقی مورد استناد واقع شود بنده تصور میکنم این جا کلمه تأدیه زائد است حکم متضمن محکومیت برد عین نوشته شود کافی است - بیکى هم این کلمه یا زائد است و باید تبدیل بواو شود در ماده می نویسد (یا این که بنحوی در کشور ایران بمنظور رد عین یا جبران خسارت) این جا باید (یا) تبدیل به (واو) بشود که وقتی کلمه متضمن محکومیت به تأدیه یا رد عین و جبران خسارت باشد استناد هم بشود به این که بنحوی که در کشور ایران به منظور رد عین یا جبران خسارت یا مقاصد دیگر حقوقی مورد استناد واقع شود. بنا بر این این کلمه (یا) بنظر بنده اینجا زائد است دیگر اینکه اصولا در آخر ماده مینویسد در صورتیکه بیکى از اغراض مذکور در شق ۴ اعتبار دادن بحکم خارچ در خواست شده باشد تقاضای وزیر عدلیه لازم نیست. این هم مبهم است و این طور است اگر باحکام صادر شده در خارجه اعتبار داده میشود اینکه بطور کلی گفته شده است هر گاه مقصود این است درخواستی شده باشد معلوم نیست این درخواست را کی باید بکند و از طرف کی باید بعمل بیاید از طرف ذینفع باشد وقتی که استناد کرد درخواست میکند البته اگر غیر این ترتیب باشد بنده زائد میدانم و لازم نیست که اجازه داده شود که بدون اجازه وزیر عدلیه يك درخواستی خارج از محاکم ایران بشود و بشود بآن ترتیب اثر داد از این ماده از لکن تا آخر ماده را

قسمت اول که راجع است به آن محکومیت اولاً اجرا را از آثار محکومیت اجرای حکم و اجرای محکومیت است آثار محکومیت برای آنها اعاده حیثیت لازم است جرم از نظر استفاده مالی از کسب و برداشته باشد که مقتضی باشد را تا يك مدتی ممنوع کرد از آن

شغل یا از آن صنعت یا از این قبیل آثار که بعد در کلیات خواهیم گفت و خواهید دید در قسمت اصلاح قسمتی که نوشته است بتأدیه یا رد عین بیکى از رد یا تأدیه عین زائد است و باید بشود به رد عین یا به تأدیه عین رد عین بهتر است و به تأدیه اش را ممکن است حذف کنیم ولی در این جمله (یا آنکه بنحوی در کشور ایران بمنظور رد عین یا جبران خسارت یا مقاصد دیگر حقوقی مورد استناد واقع شود) اینجا (وار) نمیتوان گذارد و باید (یا) باشد زیرا يك وقتی است که حکم جزائی صادر شده است مثلاً فرض کنیم اثبات شده است کلاه برداری حالا با استناد آن حکم آن عینی که بوسیله کلاه برداری برده شده است میخواهد دریافت کند از آن جهت آن حکم را در محاکم قضائی مستند قرار میدهند و از این جهت میشود بآن حکم اعتبار داد. مقصود این است که چون يك وقت حکم مفهوم و منطوق آن عبارت است از رد عین یا جبران خسارت یا يك وقت چیزی است یا يك مقدمه است فرض بفرمائید تصرف عدوانی است اثبات شده است حالا بعد خسارتش را میخواهد این هم يك قسمت و اما موضوع اخیر تصور میکنم اشکال آقای دکتر جوان در این بود آن قسمت استثناء یعنی از لیکن در صورتیکه بیکى از اغراض مذکور در شق ۴ اعتبار دادن بحکم خارچ در خواست شده باشد تقاضای وزیر عدلیه لازم نیست. برای این است که این جا يك حق خصوصی پیش می آید قسمت ۴ همان حقوق خصوصی بود رد عین - جبران خسارت و خلاصه مقصد حقوقی مقصد حقوقی هم همیشه دور از همه چیز است و احتیاج نیست که وزیر عدلیه اجازه بدهد که اعتبار بحکم بدهند یا ندهند یا محکمه است اگر مبنای حکم را حکم دید وقتی حق طرف را ثابت دید حکم میدهد و اگر مبنای را محکم ندید حکم نمیدهد و بالعلا ما مجبور نیستیم باینکه اعتبار باحکام خارجه بدهیم میتوان اعتبار داد این لفظ میتوان برای این است که وقتیکه تمام مقدمه اش را صحیح دیدیم می توانیم با استناد آن احقاق حق کنیم.

رئیس - پیشنهاد آقای نقابست.

پیشنهاد می کنیم عبارت ماده ۲۱ بدین صورت اصلاح شود:

ماده ۲۱ - بحکم جزائی محاکم کشوری که قرار داد استرداد مجرمین یا کشور ایران داشته باشند از جهات ذیل میشود اعتبار داد.

رئیس - ماده ۲۲ قرائت میشود:

استرداد مجرمین

ماده ۲۲ - استرداد مجرمین بر حسب قانون ایران

یا بر حسب معاهدات یا بر حسب رسوم بین المللی است استرداد در صورتی پذیرفته میشود که عمل موضوع تقاضای استرداد هم بر حسب قانون ایران و هم بر حسب قانون کشوری که تقاضای استرداد را نموده جرم شناخته باشد.

استرداد ایرانی پذیرفته نمیشود مگر آنکه بموجب معاهده صراحتاً قبول شده باشد.

رئیس - ماده ۲۳ قرائت میشود:

حساب مواعد و جریبان آن

ماده ۲۳ - مدت های مذکوره در قانون مجازات عمومی نسبت بکلیه احکام و آثار جزائی بطریق ذیل محسوب میشود

مقصود از روز ۲۴ ساعت است

مقصود از ماه ۳۰ روز میباشد

مقصود از سال ۳۶۰ روز است

شروع در هر ساعت از روز که باشد آن روز یک روز تمام محسوب است.

رئیس - ماده ۲۴ قرائت میشود:

اختلاف قوانین جزائی

ماده ۲۴ - قانون خاص مقررات قانون عام را نسخ میکند مگر در صورتیکه هر دو در زمان واحد یا قانون خاص بعد از تاریخ قانون عام وضع شده باشد همچنین است

قانون عقید و مطلق ولی اگر قانون عام یا مطلق بعد از تاریخ قانون خاص یا عقید وضع شده باشد قانون متأخر

نسخ قانون متقدم خواهد بود.

رئیس - ماده ۲۵ قرائت میشود:

شمول کلیات نسبت بقوانین جزائی خاص

ماده ۲۵ - مقررات کلی این قانون حتی در موضوعاتی که مشمول قوانین جزائی دیگری باشند اعمال میشود مگر آنکه آن قوانین بطور دیگری حکم کنند.

رئیس - نتیجه استخراج آراء دفعه دوم راجع بانتخاب

یک نفر دیگر بمرض آقایان میرسد

عده حضار ۱۰۸ عده آراء مأخوذه ۱۰۵

آقای مؤید احمدی ۴۲ رأی

آقای دادور ۱۳

آقای دکتر سمعی ۱۳

آقایان: محیط - مهدوی - دکتر طاهری - دکتر ادهم

هریک سه رأی

آقایان: شاهرودی - زوار - هر یک دو رأی

آقایان: مسمودی - کمالی - مرآت - سید کاظم یزدی -

فرهنگد هر یک دارای یک رأی ورقه سفید ۱۶

رئیس - چون باز هم اکثریت حاصل نشده است تجدید رأی میشود و در دفعه سوم که انتخاب شود انتخاب نسبی کافی خواهد بود با آن مذاکراتی که در جلسه خصوصی شد نمیدانم چرا اینطور پیش آمد در هر صورت تجدید انتخاب خواهد شد.

(اخذ رأی بعمل)

رئیس - آقای طباطبائی دینا -

آقای فتوحی - آقای مسعودی خراسانی

بالبسی استخراجه آراء خواهند نمود

اقیام مجازات

ماده ۲۶ - مجازات بر سه قسم

مجموعه

مجازات اصلی آن است که قانون

برای تعیین مجرمین کرده و باید در

و بدون تهریح در حکم قابل اجرا نیست.

مجازات تبعی - از لوازم و آثار قانونی مجازات اصلی است که بموجب قانون مجازات عمومی یا قانون دیگر تعیین میشود و بدون مجازات اصلی مورد ندارد اعم از اینکه در حکم ذکر شود یا نشود.

مجازات ضمیمه - آنست که به تعیین قانون بر مجازات اصلی اضافه میشود و باید در حکم تصریح شود.

رئیس - ماده ۲۷ قرائت میشود:

باب دوم - در مجازات

فصل اول - در انواع مجازات بطور کلی

مجازاتهای اصلی جنایت

ماده ۲۷ - مجازات های اصلی که برای جنایات مقرر است عبارتست از:

۱ - اعدام

۲ - حبس دائم با کار

۳ - حبس موقت با کار

رئیس - ماده ۲۸ قرائت میشود:

مجازاتهای اصلی جنحه

ماده ۲۸ - مجازاتهای اصلی که برای جنحه مقرر است عبارتست از:

۱ - حبس تأدیبی

۲ - جزای نقدی

رائت میشود:

زاتهای خلاف

قائمی که برای خلاف مقرر است

رائت میشود:

زاتهای تبعی

قائمی از قرار ذیل است:

از حقوق اجتماعی

۲ - محرومیت موقت از حقوق اجتماعی

۳ - ممنوعیت موقت از اشتغال بشغل معین یا صنعت معین.

۴ - انتشار حکم محکومیت

رئیس - آقای صفوی

صفوی - اینجا در قسمت مجازات تبعی در قسمت چهارمین بند انتشار حکم محکومیت را ضمن مجازات ذکر کرده است در صورتیکه بقیه بنده انتشار محکومیت جزء مجازات نیست زیرا ممکن است که يك خبر روزنامه محکومیت يك شخص را که متهم بوده است بدست بیاورد و آنرا منتشر نماید لذا بقیه بنده انتشار حکم محکومیت جزء مجازاتها محسوب نمیشود.

وزیر عدلیه - این در وقتی است که دولت انتشار را میدهد و در واقع اسم این را هم باید بگذاریم تشهیر و کلمه تشهیر بهتر است منتهی کلمه اش را مناسب ندیدیم و انتشار نوشتیم و این هم خود يك مجازاتی است از برای متهم و مجازات تبعی هم هست و من نمیدانم چطور آقای میفرمایند انتشار محکومیت جزء مجازات محسوب نمیشود و حال آنکه هستند کسانی که بهیچوجه میل ندارند محکومیتشان منتشر شود و انتشار از مجازات های تبعی است.

رئیس - ماده ۳۱ قرائت میشود.

فصل دوم - احکام مجازاتهای اصلی

حبس دائم با کار

ماده ۳۱ - مجازات حبس دائم با کار در اوکته ای اجرا میشود که برای این کار مقرر است با قید اجبار محکوم علیه بکار هنگام روز و انفراداً در موقع شب در صورتیکه محکوم علیه سه سال در حبس مانده باشد ممکن است اجازه داده شود که کار را در خارج انجام دهد.

رئیس - ماده ۳۲ قرائت میشود.

حبس موقت با کار

ماده ۳۲ - مدت حبس موقت با کار از دو سال تا بیست سال است و بطریق ماده قبل اجرا میشود.

در صورتیکه محکوم علیه يك سال در حبس مانده باشد ممکن است اجازه داده شود که کار را در خارج انجام دهد رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده مختصر توضیحی میخواستم که آقای وزیر عدلیه بفرمایند در این دو ماده دارد که حبس دائم با کار و حبس موقت با کار در ماده اول میگوید که پس از سه سال که در حبس مانده باشد ممکن است اجازه داده شود که کار را در خارج انجام دهد و در ماده بعد ذکر میکند در ذیل ماده در صورتیکه محکوم علیه یکسال در حبس مانده باشد ممکن است اجازه داده شود که کار را در خارج انجام دهد در ابتدای هر دو ماده ذکر میکند که محبوس دائم با قید این که کار هم اجباراً باید بکند یا محبوس موقت با این که کار هم اجباراً باید کرده باشد و باید در محل معینی آن کار مجبوری را انجام بدهد ولی در ذیل هر دو ماده دارد که ممکن است کار را پس از مدتهایی که معین کرده است در خارج انجام بدهد این را ندانستم ممکن است آقای وزیر عدلیه يك توضیحی بدهند که مفهوم بشود در محل اگر باید انجام بدهد در خارج چطور بدهد

وزیر عدلیه - قدری مقتضی میدانم بیشتر از آنچه آقای اورنگ توضیح خواستند در خصوصاتی که اینجا پیش آمده در تغییر قانون سابق توضیح بدهم و آن این است که مجازاتها را مجازاتهای اصلی جنایت را فقط سه قسم قرار داده است اعدام - حبس دائم با کار - حبس موقت با کار - و حبس مجرد که در قانون سابق داشتیم بنظر من و یا تبعاً و یا تصادفاً با عقاید خیلی از علماء حقوق جزائی چیز خوبی نیست یعنی اصلاً حبس تنها از حبس هائی است که بعقیده بنده اگر مدید شد اعدام بمسرتب راحت تر است و يك مجازات عتیبه-ی است برای مجرم بدون کار در يك جای تاریک در بیست و چهار ساعت این البته خیلی زجر بسیار بسیار بسدی است چنانچه در خیلی از قوانین هم این را برداشته اند اگر فرض کنیم این حبس دائم است چرا ایلتور با زجر تمام

مدت عمر را در حبس بماند؟ اگر موقت است که بالاخره بیرون می آید جزء سلك بشر باشد يك دیوانه يك دشمن جامعه بشری بیرون نیاید از حبس و این را باید خیلی از احتراز کرد از این جهت آن قسمت را برداشتم و متابعت از قوانین اخیر دنیا کردیم که آنها هم همینطور در نظر گرفته اند و حبس تنها را برداشته اند مگر در موقع شب که البته هر کس میل دارد که تنها باشد و روز هم باید کار کنند. اما قسمتی که فرمودید در امکانه اجرا میشود آن امکانه بر حسب ترتیب حبس است حبس دائم با کار در امکانه اجرا میشود که برای این کار مقرر است و غیر از حبس های موقتی است که چندی میمانند و بیرون می آید آن جا جائسی است که معد است و مهیا است که مدت عمر را محبوس در آنجا می ماند امکانه معینی مقصود حبس های خاصی است. اما این که در خارج اجازه داده شود که کار کنند این است که يك وقتی است در آن محوطه حبس کار میکنند یا این که خارج از محوطه حبس یعنی محکوم به حبس دائم وقتی که سه سال در حبس ماند و کار کرد آنوقت ارفاقاً باو اجازه داده میشود که روز در خارج از حبس بتواند کار کند برای اینکه هوای آزاد هم استنشاق کند بیرون را هم تماشا کند و یر بی بهره نباشد از آن زندگانی بدی که آن بیچاره پیدا کرده است و همچنین در قسمت حبس موقت با کار پس از مجازات در خارج از محوطه حبس کار کنند

[۶- اعلام نتیجه آراء نسبت بیکتفر ناظر دیگر رئیس - نتیجه آراء مستخرجه نتیجه استخراج آراء راجع بانظارت ذخیره بانک ملی برای دفعه ذیلا بمرض میرسد: عده حاضر ۱۰۰ آقای مؤید احمدی

- آقای دکتر سمیعی ۱۲ رأی
- « دادور ۹ «
- « محیط ۸ «
- « طباطبائی دیبا ۳ «
- « افشار ۳ «
- « عراقی ۱ «
- ورقه سفید ۱۲

رئیس - آقای فرشی با کثرت ۶۸ رأی و آقای مؤید احمدی با ۴۵ رأی با کثرت نسبی برای نظارت ذخیره بانک ملی انتخاب شدند. ماده ۳۳ قرائت میشود اضافه جزای نقدی بر مجازات جنائی ماده ۳۳ - هر گاه در مورد جنایاتی که برای استفاده مالی ارتکاب یافته است قانون فقط حبس دائم یا حبس موقت با کار را مقرر داشته باشد محکمه میتواند مرتکب را علاوه بر مجازات مقرر بجزای نقدی که کمتر از یک هزار و بیشتر از بیست هزار ریال نباشد نیز محکوم کند.

رئیس - ماده ۳۴ قرائت میشود. حبس تأدیبی ماده ۳۴ - مدت حبس تأدیبی از ۱۵ روز است تا سه سال و در امکانه ای اجرا میشود که برای این کار مقرر است. برای محکومین به حبس تأدیبی کار کردن اجباری نیست مگر در صورتیکه محکوم عادتاً نمیتواند بدون اشتغال به شغلی معیشت خود یا خانواده اش را تأمین کند.

ممکن است محکومین به حبس تأدیبی را با رعایت استعداد و مشاغل سابقه بکار هائی گماشت غیر از آنچه که در زندان معمول به است.

[۷- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه] رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آتیه روز یکشنبه ۱۳ اردی بهشت سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه موجوده (مجلس مقارن ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

مجازات جرائم مأمورین مؤسسات خیریه

ماده اول - مأمورین بخدمات عمومی از حیث جرائم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث صلاحیت دیوان جزای عمال دولت در حکم مأمورین دولتی خواهند بود .
ماده دوم - محاکمه اداری مأمورین بخدمات عمومی مطابق نظامنامه ای خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء میرسد .

ماده سوم - مأمورین بخدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات ذیل خدمت میکنند .

۱ - مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب وقف یا وصیت تولیت آنها با پادشاه عصر است .
۲ - مؤسسات خیریه و مؤسسات عام المنفعه که دولت یا شهرداری اداره میکند و یا تحت نظر دولت اداره می شود .

۳ - مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود .

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه ششم اردی بهشت ماه یک هزار و سیصد و پانزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری